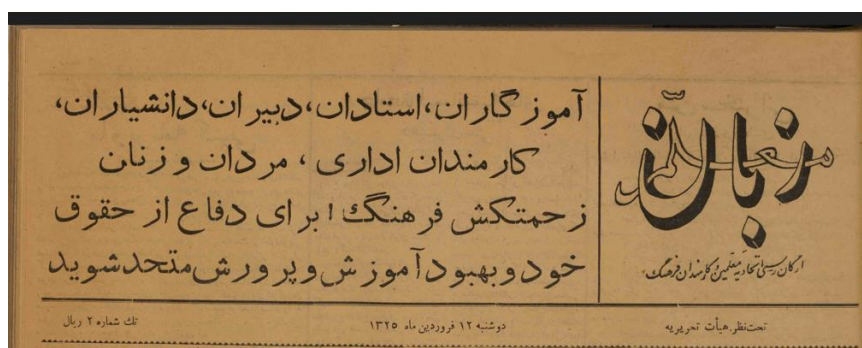


نشریات یکی از مستندترین و قابل اعتمادترین منابع برای بررسی‌های تاریخی هستند. با مطالعه مندرجات آن‌ها، می‌توان دید واقعی از شرایط آن زمان، دیدگاه‌های هیئت را تحریریه به دست آورد.



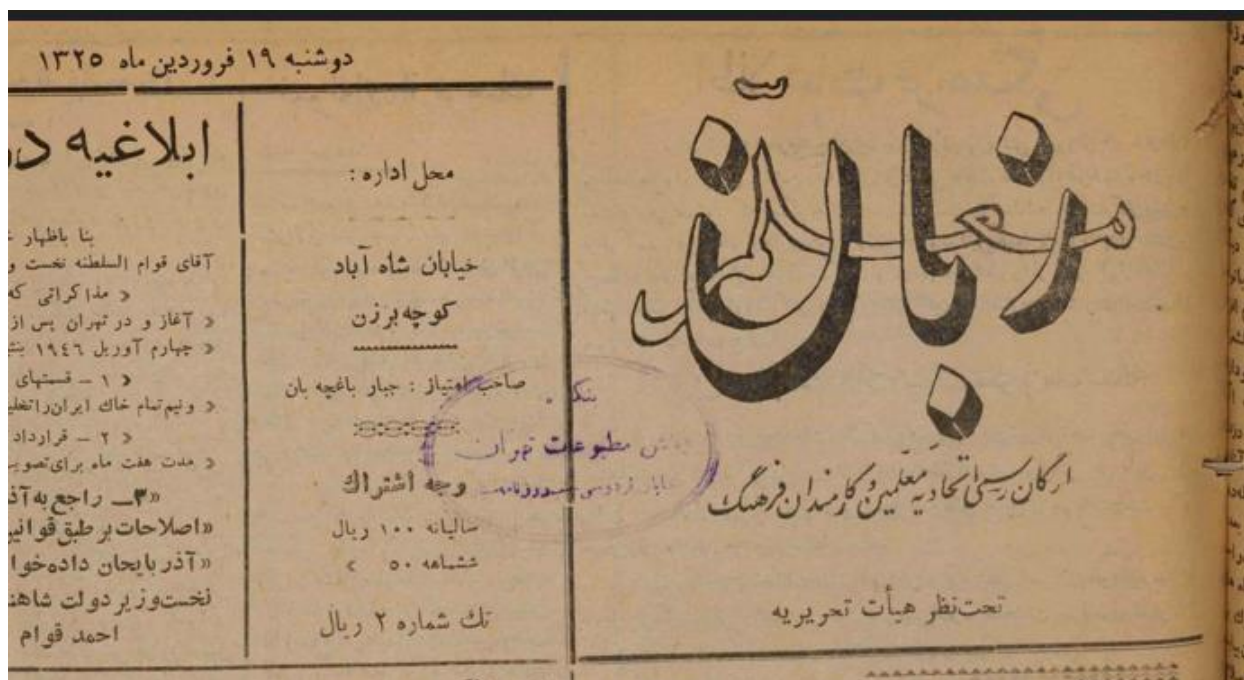
آشنایی با نشریات تشکلهای معلمان در ایران

نشریه «زبان معلم»

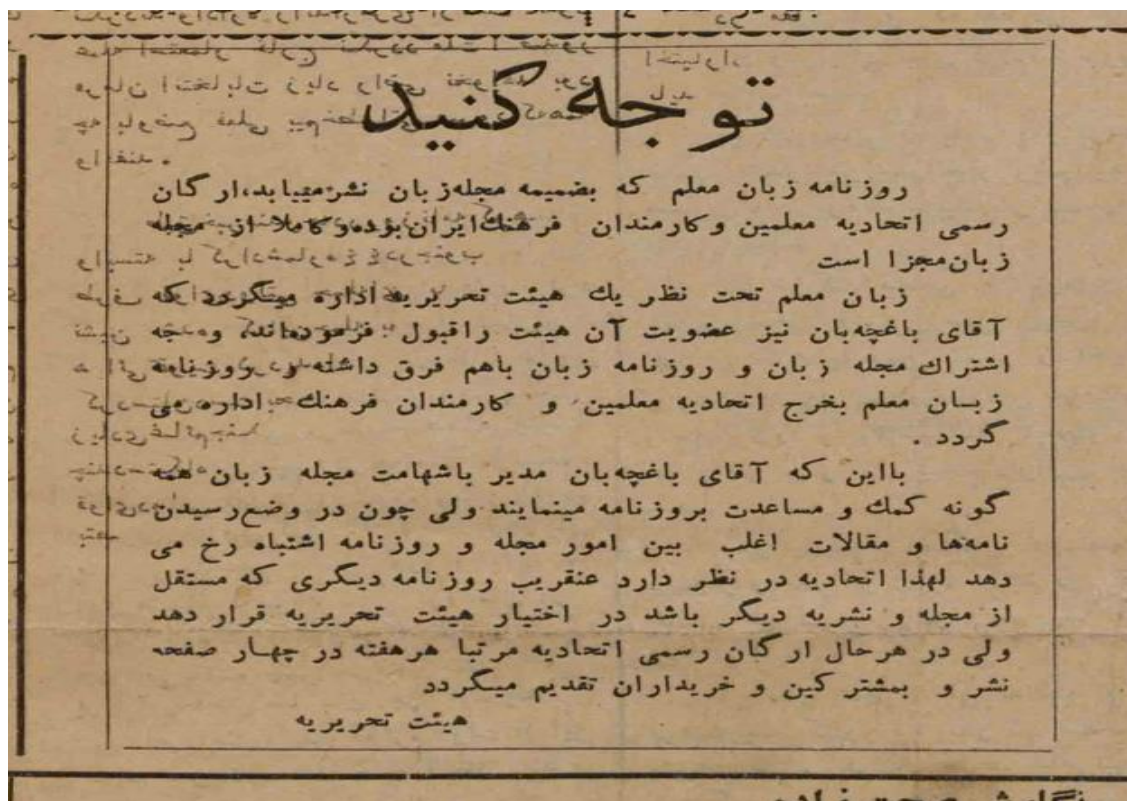
ارگان رسمی

اتحادیه معلمان و کارمندان فرهنگ (۱۳۲۵)

نشریه زبان معلم که خود را ارگان رسمی «اتحادیه معلمان و کارمندان فرهنگ» معرفی می‌کند، هفتگی منتشر می‌شد. اولین شماره این نشریه تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۲۵ را دارد. آدرس دفتر این مجله خیابان شاه‌آباد، کوچه برزن بوده و به عنوان ضمیمه نشریه «زبان» به سردبیری جبار باغچه‌بان منتشر می‌شده است:



«زبان معلم تحت نظر یک هیئت تحریریه اداره می گردد که آقای باغچه بان نیز عضویت آن هیئت را قبول فرموده اند و اشتراک مجله زبان و روزنامه زبان با هم فرق داشته و روزنامه زبان به خرج اتحادیه معلمان و کارمندان فرهنگ اداره می شود. بالاینکه آقای باغچه بان مدیر با شهامت مجله زبان همه گونه کمک و مساعدت به روزنامه می نمایند ولی چون در وضع رسیدن نامه ها و مقالات اغلب بین امور مجله و روزنامه اشتباه رخ می دهد، لهذا اتحادیه در نظر دارد عن قریب روزنامه دیگری که مستقل از مجله و نشریه دیگر باشد، در اختیار هیئت تحریریه قرار دهد ولی در هر حال ارگان رسمی اتحادیه هر هفته در چهار صفحه نشر و به مشترکین و خریداران تقدیم می گردد.»



ظاهراً در همان ابتدای کار و بعد از دو شماره، از انتشار این هفته‌نامه جلوگیری شده و از شماره سوم به بعد این نشریه فقط با نام «زبان» و به عنوان ضمیمه نشریه «زبان» منتشر شده است. در شماره سه این نشریه آگهی‌نامه «زبان معلم» منتشر شده است. از متن این آگهی‌نامه به نظر می‌رسد دلیل توقیف این نشریه، نداشتن مجوز بوده است. در این آگهی‌نامه چنین آمده است:

«زبان معلم» ارگان رسمی اتحادیه معلمان و کارمندان فرهنگ که به ضمیمه مجله «زبان» منتشر می‌گردید، به دستور جناب آقای وزیر فرهنگ توقیف شده است. اکنون دیگر امیدواریم انتشار این نامه که تنها به نام «زبان» می‌باشد، موجب خشم و غضب جناب آقای وزیر نگردد و ما بتوانیم همچنان به مبارزه خود بر علیه مفساد موجود ادامه دهیم؛ زیرا این کار مجله زبان نیز مانند هزاران مجموعه‌ها و ضامنی است که غالباً ادارات مجله‌ها و روزنامه‌ها منتشر می‌سازند منحصر به ما نبوده و تازگی هم ندارد و برای توجه جناب آقای وزیر فرهنگ نمونه‌های زیر را نام می‌بریم:

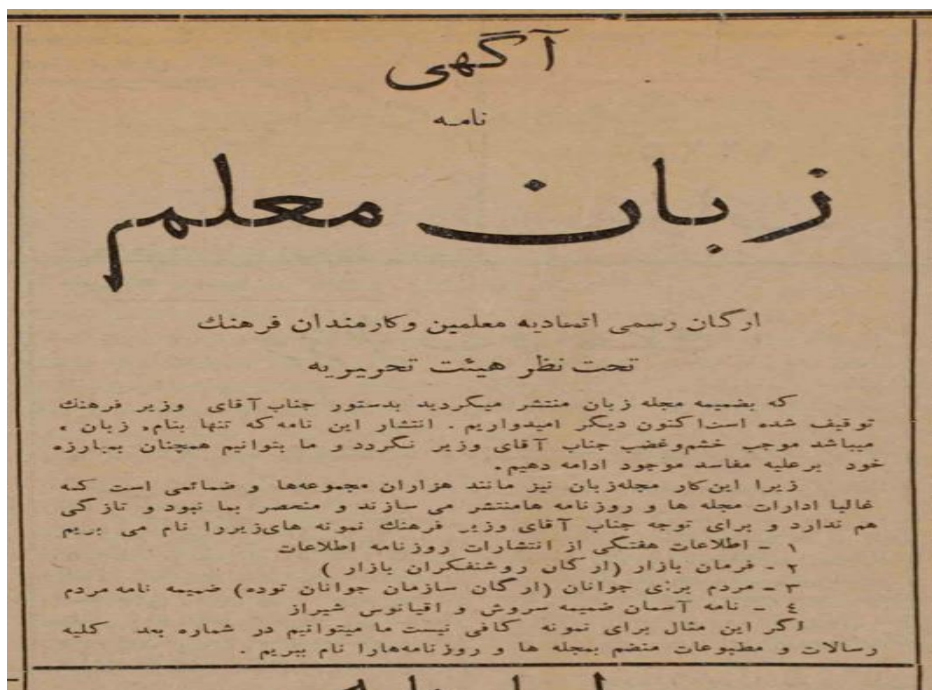
اطلاعات هفتگی از انتشارات روزنامه اطلاعات

فرمان بازار (ارگان روشنفکران بازار)

مردم برای جوانان (ارگان سازمان جوانان حزب توده) ضمیمه نامه مردم

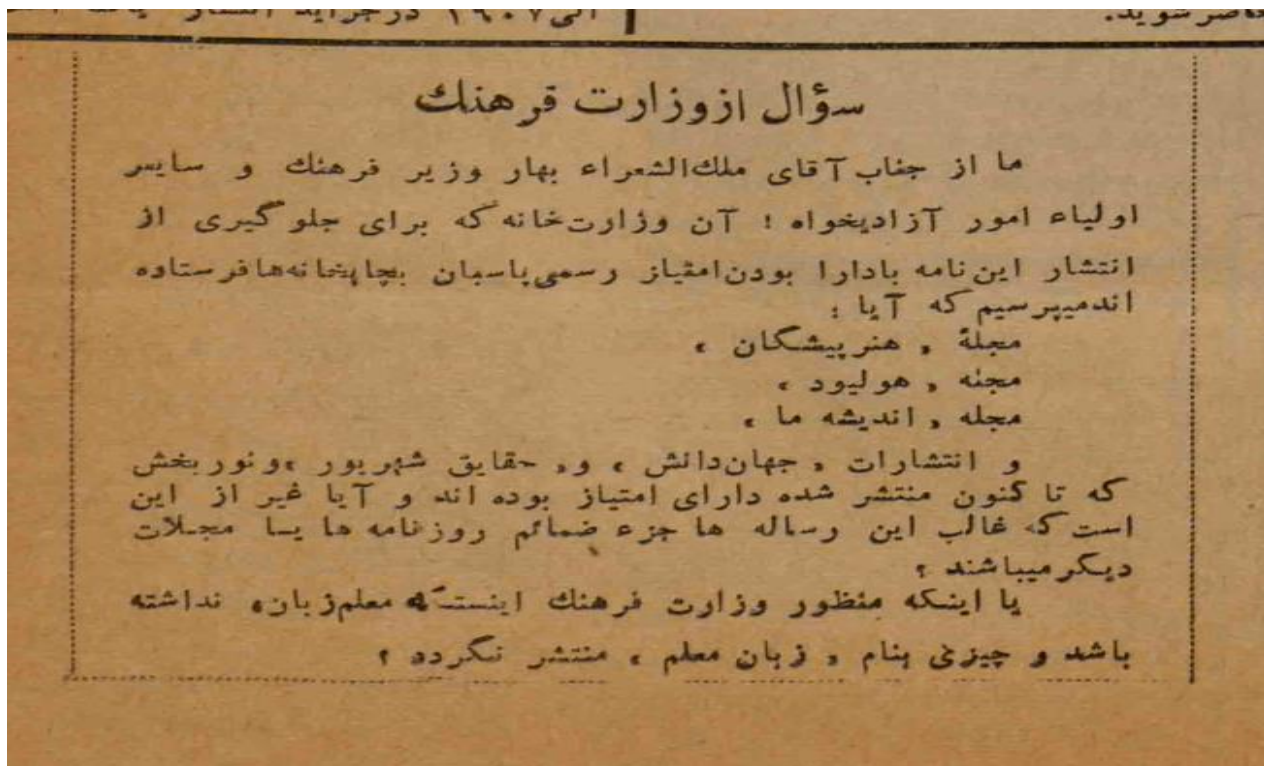
نامه آسمان ضمیمه سروش و اقیانوس شیراز

اگر این مثال برای نمونه کافی نیست ما می‌توانید در شماره بعد کلیه رسالات و مطبوعات منضم به مجله‌ها و روزنامه‌ها را نام ببریم.»



در شماره بعد نیز در رابطه با ممانعت از انتشار مجله از وزارت فرهنگ سؤال شده است:

«ما از جناب آقای ملک الشعراء بهار وزیر فرهنگ و سایر اولیا امور آزادیخواه، آن وزارت خانه که برای جلوگیری از انتشار این نامه با دارا بودن امتیاز رسمی پاسبان به چاپخانه‌ها فرستاده‌اند، می‌پرسیم که آیا مجله هنرپیشگان، مجله هولیوود، مجله اندیشه ما و انتشارات جهان دانش و حقایق شهرپور و نوربخش که تا کنون منتشر شده، دارای امتیاز بوده‌اند و آیا غیر از این است که غالب این رساله‌ها جزء ضمایم روزنامه‌ها و یا مجلات دیگر می‌باشند. یا اینکه منظور وزارت فرهنگ این است که معلم زبان نداشته باشد و چیزی به عنوان "زبان معلم" منتشر نگردد؟»



شش شماره از این نشریه منتشر شده و شماره دیگری از این نشریه در دست نیست و می توان تصور کرد به احتمال زیاد از انتشار آن جلوگیری به عمل آمده است. شماره پنج نشریه نیز در دسترس نیست.

پنج شماره موجود، شامل مطالب متنوعی است: سرمقاله، مقالاتی در زمینه مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، اخبار فرهنگیان، نامه های معلمان، گزارش هایی از وضعیت آموزش و فرهنگ، اخبار جهانی، شیوه نامه امتحانات و...



برخی از این مقالات توسط افرادی نام آشنا مانند خلیل ملکی و جبار باغچه بان نوشته شده است. این دو نفر از اعضای هیئت تحریریه بوده اند.

در سال ۱۳۲۵ وزیر فرهنگ ملک الشعرای بهار بود و اعضای شورای عالی فرهنگ نیز عبارت بودند از:

«آقای ملک الشعراى بهار، دکتر سياسى، دکتر حسابى، دکتر زنگنه، دکتر لقمان الملک، دکتر رعدى، دکتر مجتهدى، دکتر لاهیجى، آقای اسفندیارى مرتضى قلى، آقای غلامحسین رهنما و آقای تدین این ۱۱ نفر صاحب رأى بودند و کسان دیگرى هم هستند که فاقد این حق مى باشند.» (نشریه شماره ۲ زبان معلم)

مروری بر سرمقاله‌های نشریه زبان معلم

سرمقاله شماره اول زبان معلم، با عنوان «هدف ما»، خطاب به آموزگاران، استادان، دبیران و کارمندان اداری نوشته شده و اهداف اتحادیه معلمان و کارمندان فرهنگ را دفاع از حقوق معلم و کوشش در پیشرفت و بهبود آموزش و پرورش عنوان کرده است.

سرمقاله شماره ۲ نشریه نظر هیئت تحریریه را نسبت به عملیات وزیر فرهنگ نوشته است. در ابتدا با مطرح کردن تجربه وزرای فرهنگ ۴ ساله اخیر که اقدامات آنان در حد الفاظ باقی مانده، آمار عملیات آنان را خلاصه کرده و در ادامه با عنوان اینکه مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد، عنوان کرده که فرهنگیان نیز به خود حق می دهند که فقط به وعده و وعیدها و امیدواری های شفاهی و کتبی وزیر فرهنگ جدید اکتفا نکنند ضمن اینکه گفته شده که «عمل قابل تقدیری ندیده ایم... در ادامه انتصابات و تغییراتی را که از ناحیه ایشان اجرا شده را مخالف اصلاح طلبی تشخیص می دهیم از جمله به توزیع اضافات کارمندان قراردادی و فوق العاده حق الزحمه روسای آموزش ...» سرمقاله در انتها انتظارات خود را چنین عنوان کرده است: «ما در حال انتظار داریم که آقای بهار عملاً اقداماتی

کنند که مورد حمایت قاطبه فرهنگیان قرار گیرند و در غیر این صورت همان طور که در شماره پیش نوشتیم علاوه بر عدم موفقیت در اصلاح فرهنگ وجهه دولت فعلی را هم که علیرغم اکثریت ناصالح مجلس دوره ۱۴ به نیروی افکار روی آمده است تضعیف می نمایم در انتظار اقدامات ایشان»

سرمقاله شماره ۳ به قلم خلیل ملکی پیامی به معلمین است و با طرح سؤالاتی از معلمین شروع می شود و در نهایت از آنان می خواهد: «هم قطاران در هر کجا هستید و هر روش اجتماعی و سیاسی که دارید باید به اتحادیه معلمان بپیوندید زیرا اتحادیه منتسب به حزب و جمعیت مخصوصی نیست اتحادیه مال کلیه معلمان است.»

سرمقاله شماره ۴ خطاب به آقای ملک الشعرای بهار وزیر فرهنگ است؛ با این عنوان که توجه باشید که یک عمر حسن سابقه آزادی خواهی و روشنفکری و وجاهت ملی خود را به هدر ندهید. در ادامه تأکید کرده که بعد از دو ماه اقدام مثبتی که انتظار داشته اند از وزیر ندیده اند و می پرسد: «جناب آقای بهار شما که همیشه در شورای عالی فرهنگ جزو طرفداران آزادی خواهان بودید آیا چطور شده است که اکنون منحرف شده و جزو افراد محافظه کار شده اید آیا چه شده است که در جلسه پریروز شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه زبان مردم که در دوره آقای رهنما نیز از صدور امتیاز آن جلوگیری می شد، تصویب نگردید هیچ می دانید که سه چهار ماه دیگر وقتی مدارس باز می شود گروه گروه بچه های خود را گرفته و می خواهند به مدرسه بگذارند و هر کجا که می روند جواب نفی می شنوند که جا نداریم، آیا در نظر گرفته اید که برای اول سال تحصیلی به تعداد دبستان ها بیفزایید؟ آیا هیچ می دانید که در این کشور بعضی از مدارس دبستان هایی می باشند که به علت داشتن محل کافی بچه ها را دو دسته کرده نصف آن ها را صبح نصف آن ها را عصر به مدرسه می پذیرند؟ در انتها چنین گفته اگر شما هم می خواهید تحت تأثیر دستگاه فعلی قرار گیرید و در این محیط حل شوید، برای اینکه چندی بیشتر در این مقام بمانید، بدون شک تمام سوابق روشن خود را لکه دار خواهید نمود و به طور قاطع دیگر معتقد می شویم که شعرا مرد کار نیستند و بایستی بروند برای خودشان شعر بگویند.»

سرمقاله شماره ۶ عنوان اشتباه عمدی وزارت فرهنگ را دارد و با اشاره به وضعیت سخت معیشت معلمان به ویژه معلمین قراردادی که اشل حقوق آنان ۵۰ تومان است، شروع می شود و در ادامه چنین می گوید: «توجه نمایید که مقررات غلط و ظالمانه کنونی اجازه می دهد که کارمند قراردادی دفترنویس یا بایگان و غیره می توانند بر طبق مقررات کنونی هر سال ۳۰ یا ۴۰ یا ۶۰ تومان اضافه دریافت نمایند ولی معلم زحمتکش قراردادی بیش از ۲ الی ۴ تومان در سال نباید اضافه دریافت نماید.» این را اشتباه عمدی وزارت فرهنگ دانسته که درصدد دلسردی و پریشانی معلم برآمده و در خاتمه عنوان می کند که: «اتحادیه معلمان و کارمندان فرهنگ مدتی است پرچم مبارزه مقدس معلمان و خدمتگزاران فرهنگ را برافراشته و برای آخرین بار زحمتکشان فرهنگ را مخاطب قرار

داده اعلام می‌دارد که برای نابودی کاخ ظلم و تعدی این بی‌فرهنگان ظالم صفوف تشکیلات ما را تقویت کنید تا بتوانیم به زودی بر خصم مشترک خود فائق آمده و حقوق از دست‌رفته خود را بازستانیم نیرومند باد اتحاد معلمین ایران»

سایر مطالب

در شماره‌های مختلف نشریه «زبان معلم» خبرهای کوتاهی از اعتصاب‌های معلمان وجود دارد؛ از جمله در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۲۵ هیجده نفر از مدیران آموزشگاه‌های تهران به‌عنوان اعتراض بر تصمیم غلط کارگزینی و حسابداری مبنی بر توزیع ۱۵ هزار تومان بین سوگلی‌های تقوی و غیره دست از کار کشیدند. در ادامه خبر زبان معلم نظر خود را چنین بیان کرده است:

«ما در عین حال که این عمل شرافتمندانه ایشان را تقدیس می‌نماییم جدا از وزیر فرهنگ خواهانیم که به تقاضای حقه آنان ترتیب اثر بدهد چه در غیر این صورت ما ناگزیر به اقدامات شدیدتری خواهیم گردید.»

در صفحه اول نشریه شماره ۴ تحت عنوان نتیجه اعتصاب احمد کوشا رئیس دبیرستان خاقانی چنین نوشته است:

«اعتصاب روسا و نظام لیسانسیه که معترض بر طرز اجرای تبصره دو ماده ۱۲ قانون تعلیمات اجباری بودند، ۵ روز طول کشید. این اولین باری بود که در وزارت فرهنگ عده‌ای از لیسانسیه‌های دانش‌سرای عالی توافق نظر حاصل کردند که باید برای مبارزه با دستگاه فاسد اعتصاب کنند و از مقامات وزارت و معاونت و مدیر کلی نهراسیده بلکه از ایشان استیضاح کتبی بنمایند.»

طبق اخبار نشریه این اعتصاب با موفقیت همراه بوده است.

در صفحه آخر این شماره ۶ نشریه خبری با عنوان «در دانش‌سرای پسران تهران چه می‌گذرد؟» جریان کارنامه فروشی در دبیرستان علمیه و کارهای خلاف قانون مدیر دبستان فیروزکوهی منتشر شده که در اثر اعتصاب رئیس و معاون فرهنگ تهران این فرد کثیف اخراج شده است.

در شماره ۶ نشریه خبر تشکیل اتحادیه وابسته به اتحادیه مرکزی معلمی و کارمندان فرهنگ در شیراز منتشر شده است. همچنین در خبر دیگری در این شماره شکایت بانوان آموزگار ساری منتشر شده است که خواسته‌اند قبل از انقضا دوره مالی و شروع امتحانات به پرداخت ترمیم احکام استحقاقی اقدام شود. در غیر این صورت تهدید به اعتصاب کرده‌اند. نامه به امضای جامعه بانوان آموزگاران مشمول ماده ۱۴ ساری است.

در صفحه ۴ نشریه شماره ۳ نامه‌ای از طرف دانش آموزان دانش‌سرای تهران به وزارت فرهنگ منتشر شده است. در این نامه آنان تقاضاهای خود را به شرح زیر اعلام نموده بودند:

۱ - آزاد گذاشتن فارغ‌التحصیلان دانشسراهای مقدماتی برای ادامه تحصیل بدین ترتیب که عشره اول قبولی در امتحانات نهایی که شامل قبولی شه‌ریور هم باشد به خرج دولت و مابقی آزادانه و به خرج خود در ایام تدریس حق داشته باشند تحصیل نمایند.

۲ - دانش آموزانی که بخواهند ادامه تحصیل دهند یا بخواهند تعهد خود را لغو بنمایند هزینه تحصیلی را به اقساط بپردازند و در ضمن هزینه اداری دانش‌سرا را به حساب دانش آموزان نیاورده و برای هزینه اداری مثل این دبیرستان‌ها شهریه حساب نمایند.

۳ - تجدیدنظر و اصلاح برنامه دانش‌سراها

۴ - پرداخت حقوق از اولین ماه شروع به خدمت آخر هر برج و کسر نمودن تقاعد به اقساط

در خاتمه آنان خواستار رسیدگی ظرف یک هفته شده‌اند. دانش آموزان رونوشت درخواستشان را به تمام دانش‌سراهای ایران فرستاده بودند. زبان معلم در ذیل این خبر چنین نوشته است:

«ما نه تنها مدافعین حقوق معلمین کنونی هستیم، بلکه از حقوق همکاران آتیه خود نیز جدا دفاع می‌نماییم و به‌ویژه اجحافات که در فرهنگ کنونی نسبت به کلیه معلمین دانش‌سرایی روا می‌دارد، شدیداً مورد انتقاد ماست و ما از تمام فارغ‌التحصیلان دانش‌سراها درخواست داریم که برای نجات خود و سایر همکاران خویش در صفوف ما وارد شده تا با اتحاد هم گام‌های بزرگی برداشته و از مرگ تدریجی کنونی خود را نجات دهیم.»

در نشریه زبان معلم، اخباری نیز از وضعیت فرهنگ در شهرهای مختلف ایران منتشر می‌شده است. در شماره چهار نشریه در مورد اوضاع فرهنگ خوانسار نوشته شده است که به علت نبود دبستان، کتابخانه‌هایی که نام حقیقی آن را می‌توان بیغوله نهاد، دایر و مشغول مسلول نمودن اطفال بیچاره می‌باشند. نشریه، نظر اولیا فرهنگ را به وضع مدارس خوانسار جلب نموده است.

در خبر دیگری در نشریه شماره ۶ وضعیت رقت‌بار فرهنگ بیرجند نوشته شده است.

در خبر دیگری، به نقل از روزنامه «فرشته آزادی»، برخورد بد مدیر دبیرستان شاهدخت با یکی از والدین دانش آموزان نوشته شده است. مادری که به نمره خیاطی دختر خود معترض بوده با برخورد توهین‌آمیز مدیر و مشت پراکنی او روبرو شده است. در ادامه این خبر در رابطه با وضعیت زنان و توانایی‌های آنان نیز مطلبی منتشر شده است.

در خبر دیگری در شماره شش با عنوان دزدی صندوق حدود ۱۰۰ هزار تومان اعلام شده که مدارکی در این رابطه در اختیار نشریه است و آن را منتشر خواهد کرد اگر اصلاحاتی برای تعقیب مسئولین امر ننمایند.

در خبری کوتاه نیز به پرداخت حقوق در مدارس اشاره شده است: «جریان پرداخت حقوق چند هزار نفر کارمند در عرض دو سه روز در صندوق به قدری برای معلمی خسته کننده و پرزحمت است که به وصف در نمی آید ولی گویا این مزاحمت هر چقدر به معلمان صدمه وارد می سازد به حضرات پرداخت کننده و مقامات مسئول حسابداری تأثیر نمی گذارد و حضرات از این شلوغی به انجا مختلف استفاده می نمایند بالاخره پس از کشمکش های زیاد از طرف معلمان آقایان قول دادند که حقوق اردیبهشت را در مدارس پرداخت کنند و اگر این قول را ایفا نکنند مسلماً باید درباره ایشان این ضرب المثل را صادق دانست که دزد پی بازار آشفته می گردد.»